



شمه‌ای از آداب تبلیغ

حسین تربتی

۱. طلب یاری از خداوند

اولین نکته که هر مبلغی باید به آن توجه داشته باشد، این است که بداند تمام کارها، مخصوصاً هدایت در یدِ قدرت الهی است. این ما نیستیم که مردم را هدایت می‌کنیم، بلکه پشت پرده، خداوند متعال است که از طریق و مجرای عالمان صالح، بندگان خویش را هدایت و رهبری می‌کند؛ لذا فراموش نکنیم که همه چیز در دست قدرت اوست. پس از او کمک بخواهیم. اینکه در نماز لا اقل ده نوبت در شبانه روز می‌گوییم: «أَيُّهَاكَ تَعَبُدُّ وَ أَيْسَاكَ تَسْتَعِينُ»^۱

هر کاری نیاز به آداب و شیوه خاصی دارد که اگر آن آداب مراعات و لحاظ شوند، آن عمل به نتیجه دلخواه و مطلوب می‌رسد. تبلیغ یکی از کارهای مهم و اساسی است که قطعاً از این قانون و قاعده مستثنا نخواهد بود. مبلغ موفق کسی است که آداب و شیوه‌های تبلیغ را مراعات کند. در این نوشتار بر آنیم که به برخی از آداب تبلیغ اشاراتی داشته باشیم. امید آنکه «مبلغان» مخلص و دلسوز با بهره‌بری از این نکته‌ها همراه با تجربه‌ها و اندوخته‌های خویش تبلیغ موفق داشته باشند.

برای تقویت استعانت و کمک‌خواهی از خداوند متعال است.

دعاهای معصومین علیهم‌السلام سرشار است از استعانت و یاری‌خواهی. در دعای «سیفی صغیر»، معروف به دعای «قاموس»، می‌خوانیم: «وَأَزُقُنِي مِنْ نُورِ اسْمِكَ مَبِيَّةً وَ سَطْوَةً تَنْقِذُ لِي الْقُلُوبَ وَ الْأَرْوَاحَ وَ تَخْضَعُ لَدَيْ النَّفُوسِ وَ الْأَشْبَاحِ... لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَنجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ وَ لَا إِعَانَةَ إِلَّا بِكَ وَ لَا إِتْكَاءَ إِلَّا عَلَيْكَ...»^۱ و روزی من گردان از نورِ نامت، هیبت و قدرتی را که در دلها و روحها رام من گشته، و جانها و کالدها در مقابل من فروتن شوند...؛ زیرا پناهگاه و جایی از تو جز به سوی تو نیست، و کمک‌کاری جز تو و تکیه‌گاهی جز تو وجود ندارد.»

امام سجاده علیه‌السلام در یکی از دعاهای صحیفه سجادیه عرضه می‌دارد: «يَا مَنْ نُحَلُّ بِهٖ عَقْدَ الْمَكَارِهِ... ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ وَ تَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ وَ جَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ وَ مَضَّتْ عَلَيَّ إِزَادَتُكَ الْأَشْيَاءَ، فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ وَ بِإِزَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مَنْرَجِرَةٌ...»^۲ ای کسی که گره‌های سختیها به وسیله او باز می‌شود... در برابر قدرت تو سختیها رام گشته، و با

لطف تو علتها کارساز شده، و با قدرت تو قضا (و تقدیرات) جاری گشته، و با اراده تو اشیاء به کار رفته است. پس آن اشیاء با خواست تو، بدون سختی از تو فرمان می‌برند، و با اراده تو، بدون نهی‌ات باز داشته می‌شوند...»

به همین جهت است که اولین دستوری که به پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، موفق‌ترین مبلغ الهی، داده می‌شود، این است که پیام و سخنش را با نام و یاد خدا و استعانت از او شروع کنند: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»^۳ «بخوان به نام پروردگارت که آفرید.» و در پایان هر مرحله نیز دستور می‌دهد که توجه و استعانت به خدا فراموش نشود: «فَإِذَا فَرَعْتَ فَأَنْصَبْ وَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَارْجِعْ»^۴ «پس هنگامی که [از کار مهمی] فارغ شدی، [به مهم دیگری] بپرداز و به سوی پروردگارت توجه کن.»

و در روزهای پایانی رسالتش نیز

۱. مفاتیح الجنان، دعای سیفی صغیر.

۲. الصحیفه السجادیة، ص ۵۳، دعای «مَنْ نُحَلُّ»

۳. علق / ۱.

۴. انشراح / ۸۷.

قرآن هدایتگر، درباره پیامبر رحمت ﷺ چنین می فرماید: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾^۳ «به راستی رسولی از خودتان به سوی شما آمد که ناراحتی شما برایش سخت و بر آسایش شما حریص (و دلسوز) و نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است.»

به خاطر همان دلسوزی است که وقتی اهل مکه او را سنگباران می کنند، به گونه ای که حضرت مجبور می شود شهر مکه را ترک کرده، به کوهها پناه ببرد، و وقتی علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام او را می بایند و زخمهای پای او را پانسمان می کنند، در همان حال می گوید: «خدایا! قومم را ببخش و آنها را هدایت کن؛ چرا که آنها نمی دانند.»

قرآن کریم درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جای دیگر می فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾^۴ «تو را بغير از

به او دستور می دهد: ﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾؛^۱ «پس منزّه دان پروردگارت را با حمد و ستایش.»

حضرت موسی علیه السلام نیز که از پیامبران و «مبلغان» موفق است، چنین می فرماید: ﴿أَفَوْضَلْتَ إِلَى اللَّهِ إِنْ لَمْ يُصَيِّرْ بِالْعِبَادِ﴾؛^۲ «امور خود را به خدا واگذار می کنم [و از او استعانت می جویم؛ چرا که] خداوند بر بندگانش بیناست.»

در نتیجه، یک مبلغ در هیچ آن و لحظه ای نباید استعانت و استمداد الهی را فراموش کند، و در آن لحظه که بر منبر قرار می گیرد، باید با توجه قلبی از خداوند کمک بخواهد که قطعاً سخنانش مؤثر واقع می شود و بر دلها خواهد نشست.

۲. دلسوزی و مهربانی

اگر مبلغی بخواهد موفق باشد، در هدایت مردم باید دلسوز باشد؛ یعنی واقعاً هدایت مردم به عنوان یک خواسته مهم و واقعی برای او مطرح باشد. وقتی چنین شد، قطعاً هم تلاش بیشتری می کند و هم سعی می کند با آنان با مهربانی و نرمی برخورد کند.

۱. نصر / ۳.

۲. غافر / ۴۴.

۳. توبه / ۱۲۸.

۴. انبیاء / ۱۰۷.

فرمود: «إِنَّ الرَّفْقَ لَمْ يُوَضَّعْ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَلَا يُنْرَعُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ»^۴ به راستی مدارا بر چیزی نهاده نشد، جز آنکه باعث زینت آن شد و از چیزی جدا نگشت، جز آنکه باعث زشتی آن گشت.

و حضرت علی عليه السلام مدارا و گذشت را کلید پیروزی می دانست، آنجا که فرمود: «الرَّفْقُ مِفْتَاحُ النَّجَاحِ»^۵ مدارا کلید رستگاری است.

۳. تغافل

وضعیّت جامعه امروز ما به گونه‌ای است که گاهی برخی جوانان (یا از سر ناآگاهی و غرور جوانی، و یا عناد و...) متلکها و سخنان ناروایی نثار مبلّغان می‌کنند، و یا ممکن است انسان خود صحیحۀ زنده‌ای را نسبت به فردی مشاهده کند، ادب دوام تبلیغ اقتضا می‌کند که این صححنه‌ها را نادیده بگیریم و به اصطلاح، خود را به «تغافل» بزینم که «شتر دیدی، ندیدی»

رحمت برای جهانیان نفرستادیم. همین دلسوزی و رأفت او بود که وقتی مکه را فتح کرد، به یکی از فرماندهان که شعار می‌داد: «الْيَوْمَ يَوْمَ الْمَلْحَمَةِ» امروز، روز انتقام است. دستور داد که شعار را عوض کنند، و به علی عليه السلام فرمود: پرچم را دست گرفته، این شعار را سر دهد: «الْيَوْمَ يَوْمَ الْمَرْحَمَةِ» امروز، روز رحمت است.^۱

با اینکه همین مکیان سخت او را آزار و اذیت کرده بودند، با این حال، چون پدر دلسوز و مهربان با آنها رفتار کرد. و خود آن حضرت نیز به دیگر مبلّغان سفارش می‌کرد که با مردم با نرمی و مهربانی برخورد کنند، از جمله به «معاذ» هنگام رفتن به سفر تبلیغی سفارش فرمود: «عَلَيْكَ بِالرَّفْقِ وَالْعَفْوِ»^۲ بر تو لازم است که [با مردم] با مدارا و گذشت برخورد کنی.

در روایت دیگر می‌خوانیم: «لَيْتُوا لِمَنْ تَعْلَمُونَ؟»^۳ آیا کسانی که به آنان دانش می‌آموزید، نرمی کنید.

و گاه در روایات برای تشویق به مدارا و مهربانی با مردم، به آثار مهم آن اشاره شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱. ر. ک: شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۷، ص ۲۷۲.

۲. تحف العقول، ص ۲۶.

۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۲.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۱۱۹، ح ۶.

۵. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۴۴، ح ۴۹۷۵.

سخنرانی و... مقداری به او میدان بدهد تا زمینه رشد و نفوذ او در محل آماده شود. و با کسانی هم که از روحانیان قبلی و محلی بدگویی می‌کنند، هدایتگرانه برخورد کند و سعی کند جلوی بدگویی آنها را بگیرد.

قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم ﷺ با اینکه خاتم پیامبران و افضل آنهاست، می‌فرماید: «قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ»؛ «بگو (ای رسول ما!) ستایش مخصوص خداست و سلام بر بندگان [همچون نوح و ابراهیم و...] که آنان را برگزید.» این آیه نشان می‌دهد با اینکه تمام ادیان گذشته توسط دین خاتم نسخ شده است، ولی احترام آوردگان آنها در خدا اعلایا باید حفظ شود.

بنابراین، احترام روحانی محل لازم است، به ویژه اگر پیر و یا سالخورده باشد.

البته، توجه شود که احترام به معنای پذیرفتن سخنان خلاف و یا مواضع ضعیف چنان افرادی نیست،

و از آن چشم‌پوشی کنیم. و اگر در مسجد و... هم با چنان فردی برخورد کردیم، به روی خود نیاوریم و تلاش کنیم غیر مستقیم ریشه این جسارتها را بخشکانیم.

۴. احترام به دیگر مبلغان

غالباً در شهرها و روستاها روحانی مستقر وجود دارد که همیشه در کنار مردم بوده و با سختی و راحتیهای آنجا ساخته، با این حال مردم و محل را رها نکرده است. حال روحانی مبلغی که به عنوان طرح هجرت کوتاه مدت یا بلند مدت، و یا برای ماه مبارک رمضان و محرم به آن محل اعزام می‌شود، باید در عین حال که با جوانها ارتباط دارد و به درد دل‌های آنها توجه می‌کند، احترام روحانی محل را حفظ کند و هرگز علیه او بدگویی نکند. اگر نقایصی هم در سخنرانیها و یا رفتار او می‌بیند، می‌تواند تنها با خود او مطرح کند.

و ممکن است طلبه مبتدی در آن محل باشد که گاه برای دیدار بستگان به آنجا می‌آید، او را نیز مورد حمایت قرار دهد و در مراسم دعا و مجالس

و مسجد او از پیر و جوان و زن و مرد پُر شده، ولی با توجّه به سن زیاد و پیری و کم حالی خود، قادر به سخنرانی برای جوانان و کودکان نیست، برای ارشاد و هدایت و آگاهی مردم، سخنران جوان و با سلیقه و بانشاط دیگر را دعوت کند؟

اگر استمداد از دیگران با نیت خالص انجام گیرد، نه تنها باعث ضعف و سست شدن موقعیت فرد نمی‌شود، بلکه عامل تقویت مواضع، و تحکیم موقعیت او خواهد شد.

حضرت موسی علیه السلام وقتی به نبوت رسید، از خداوند استمداد نمود و برادرش را به یاری طلبید: ﴿وَأَجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِّنْ أَهْلِ هَارُونَ أَخِي أَشُدُّ بِهِ أَزْرِي وَ أَشْرِكُهُ فِيْ أَمْرِي﴾؛ [خدایا!] از خاندانم وزیر را برایم قرار بده! برادرم هارون را و پشت مرا با او استوار ساز و او را در کارم شریک گردان!

در جای دیگر، از زبان حضرت موسی علیه السلام نقطه قوت هارون برای همکاری، این گونه بیان می‌شود: ﴿وَ

بلکه مقصود این است که با منطق و استدلال قوی و حفظ احترام و شخصیت و جایگاه اجتماعی افراد، می‌توانیم مواضع اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و ... خود را بیان کنیم و سخنان سست و ضعیف آنها را رد کنیم؛ ولی با این حال، حق استهزا و اهانت به آنها را نداریم؛ چرا که اهانت به دیگران خود نشانه ضعف و بی‌منطقی است. در روایت آمده که «أَفْئَلُ النَّاسِ مِنْ أَهْلِ النَّاسِ»^۱ ذلیل‌ترین مردم کسی است که به دیگران اهانت کند.

۵. استمداد از دیگران

یقیناً یک مبلغ، تمام کمالات و ابزار تبلیغ را دارا نیست. گاه ممکن است مبلغی در سخنرانی و موعظه موفق باشد، ولی در روضه و گریاندن مردم تخصصی نداشته باشد. و یا در امر کلاس‌داری و کار با جوانان تخصص داشته باشد، ولی از پس سخنرانی عمومی بر نیاید. در این موارد می‌توان از دیگران کمک گرفت. چه اشکالی دارد، اگر امام جماعتی با داشتن رفتار و سجایای اخلاقی و سن زیاد که در بین مردم اعتباری دارد

۱. میزان الحکمة، ج ۴، ص ۷۰.

۲. طه / ۲۹-۳۲.

استفاده و بهره‌وری از دیگران در پیشرفت تبلیغ و هدایت مردم نه تنها عیب شمرده نمی‌شود، بلکه ارزش مضاعف و نقطه قوت انسان به حساب می‌آید و نشانه صداقت، تواضع و دلسوزی و تعهد او نسبت به هدایت مردم است.

۶. سخنان مختصر و مفید

واقعیت امر این است که حوصله‌ها کم شده است و مردم نوعاً از شنیدن سخنان طولانی، مخصوصاً اگر جاذبه نداشته باشد و تنها جنبه سمعی داشته باشد، خسته می‌شوند، غالب خطبه‌های امیر مؤمنان مختصر و مفید است و آن حضرت به دیگران نیز سفارش فرمود: «خَيْرَ الْكَلَامِ مَا لَا يَمْلُ وَلَا يَقْلُ»^۱ بهترین کلام آن است که نه ملال‌آور باشد و نه [خیلی] کم. چنان که گفته‌اند: خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.

گاه سخنرانی طولانی باعث می‌شود بهترین سخنان نیز اثر خود را

أَخْبِي هَارُونَ مَوْأَفِّصُ مَنِّي لِسَانًا فَارْسِلَهُ مَعِيَ رِذَاءً أَيْصِدَّقَنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَكْذُبُونِ؛^۲ او برادرم هارون زبانش فصیح‌تر از من است. او را همراه من بفرست تا یاور من باشد و مرا تصدیق کند؛ زیرا می‌ترسم مرا تکذیب کنند.»

و خداوند نیز درخواست منطقی او را می‌پذیرد و در جواب می‌فرماید: «سَتَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا؛^۳» به زودی بازوان تو را به وسیله برادرت محکم می‌کنیم و برای شما برتری و سیطره قرار می‌دهیم.»

حضرت عیسی عليه السلام نیز در امر تبلیغ در جستجوی یافتن کمک‌کار و یار بود؛ لذا قرآن کریم از زبان او چنین نقل می‌کند: «قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ؛^۴» گفت: چه کسانی یاران من [در حرکت] به سوی خدا هستند؟ حواریون (که شاگردان مخصوص او بودند) گفتند: ما یاوران [تو در راه] خدا هستیم.»

گاه ممکن است برخی افراد غیر روحانی هنر و استعدادی داشته باشند که برای جذب و هدایت دیگران، از آنان نیز باید بهره جست؛ چرا که

۱. قصص / ۳۴.

۲. همان / ۳۵.

۳. آل عمران / ۵۲.

۴. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۱۰، ح ۴۰۵۳.

فرهنگی و جوانها گفتند: اگر هر شب باشد، مردم نمی‌مانند. گفتم: سعی می‌کنم طولانی نشود؛ لذا هر شب به اندازه ده دقیقه صحبت و مسئله‌گویی و روضه خوانی و دعا داشتیم. همه هم می‌ماندند. و در تمام ایام ۵۰ روز چنین برنامه‌ای داشتیم و همگی مخصوصاً جوانها به خوبی استقبال کردند. برنامه‌ام به گونه‌ای بود که حتی دعای کمیل را به اندازه یک ربع بیشتر طول نمی‌دادم.

۷. کلام گویا و روشن

آخرین نکته را که باید درباره آداب تبلیغ یادآور شویم، روشن و گویا سخن گفتن است. غالب سخنرانیهای مبلغان برای کسانی است که یکدست و یکنوع نمی‌باشند، هم پیرمرد و پیرزن در بین آنهاست و هم جوان و نوجوان، هم بی‌سواد است و هم تحصیل کرده؛ لذا مبلغ گرامی باید به گونه‌ای حرف بزند و سخن بگوید که همه فهم باشد؛ از اصطلاحات پیچیده‌ای که در علوم خاص به کار

از دست بدهد و نتیجه عکس را در پی داشته باشد و مردم نه تنها از سخنان گوینده زده شوند که از شخص او نیز نفرت پیدا کنند. امام کاظم علیه السلام اعلام خطر نموده، چنین می‌فرماید: «مَنْ... مَعَا طَرَأَيْفَ حِكْمَتِهِ بِقُضُولِ كَلَامِهِ... فَكَأَنَّمَا أَعَانَ هَوَاهُ عَلَى هَذَا عَقْلِهِ؛ هر کس با زیادی سخن، شیرینی و زیبایی کلام حکیمانانه‌اش را محو کند، گویا بر نابودی عقل خویش هوای خود را یاری رسانده است.»

لذا سعی شود صحبتها و سخنرانی، مختصر، مفید و مستمر باشد. به قول آقای قرائتی: «وقتی سخنان مختصر باشد، اگر مفید و باجذب بود، مردم تشنه می‌مانند و دوباره پای سخنرانی خواهند آمد. و اگر غیر مفید بود، می‌گویند: خدا پدرش را بیامزد که زود تمام کرد.»

خاطره

در یکی از سفرهای طرح هجرت تابستانی به یکی از روستاها اعزام شدم. ایام فاطمیه پیشنهاد دادم که بعد از نماز مغرب و عشا بین دو دهه فاطمیه جلسه داشته باشیم. برادران

استفاده و بهره‌وری از دیگران در پیشرفت تبلیغ و هدایت مردم نه تنها عیب شمرده نمی‌شود، بلکه ارزش مضاعف و نقطه قوت انسان به حساب می‌آید و نشانه صداقت، تواضع و دلسوزی و تعهد او نسبت به هدایت مردم است.

می‌رود، و همچنین اصطلاحات سنگین حوزوی اجتناب کند. گویند: شخصی می‌خواست کاسه روحی بخرد، رو کرد به صاحب مغازه و گفت: «آن جسم ابیضی که در شمال شرقی مغازه واقع شده است، چند است؟ صاحب جنس متوجه نشد، شخصی که کنار آن دو قرار داشت، به صاحب مغازه گفت: آقا، قیمت جنس را از شما پرسید. صاحب جنس گفت: نه خیر، حضرت آقا داشت قرآن

می‌خواند! یکی از مهم‌ترین اوصاف قرآن که در آیات عدیده‌ای مطرح شده، وصف «مبین» یعنی روشن سخن گفتن است. از جمله، در سوره یوسف می‌خوانیم: ﴿تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ﴾؛^۱ «آن است آیات کتاب روشن‌گر».

و طبعاً پیامبر اکرم ﷺ نیز به عنوان مبلغ قرآن، روشن و گویا سخن گفته است. به همین جهت، به راحتی مردم جزیره العرب جذب سخنان او می‌شدند.

